

## جراپی نام‌گذاری سال ۱۳۹۴ به نام دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی

مجید رهایی غلامعلی طاهریان محمود حمزه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۰۶

### چکیده

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴ هجری شمسی، با تبریک سال نو و نوروز به ملت ایران و همه ملت‌هایی که نوروز را گرامی می‌دارند، سال جدید را سال «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» نام‌گذاری کردند.

ایشان در نگاه اجمالی به مسائل سال ۱۳۹۴، همکاری‌های گسترده دولت و ملت را ضروری برشمردند و تأکید کردند: برای تحقق شعار سال ۹۴ یعنی «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی»، باید هر دو نکته این شعار یعنی ملت عزیز، بزرگ، شجاع، بصیر، دانا و با همت ایران و همچنین دولت خدمتگزار، به یکدیگر اعتماد، و صمیمانه با هم همکاری کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای فرمودند: «پیشرفت اقتصادی»، «اقتدار و عزت منطقه‌ای و بین‌المللی»، «جهش‌های علمی به معنای واقعی»، «عدالت قضایی و اقتصادی» و از همه مهمتر، «ایمان و معنویت» آرزوهای بزرگی هستند که در این سال برای ملت ایران داریم و البته همه‌ی این خواسته‌ها و آرزوها نیز دست یافتنی است و خارج از ظرفیت عظیم ملت ایران و سیاست‌های نظام نیست. رهبر انقلاب، تحقق این آرزوهای بزرگ را مشروط به همکاری، همدلی و صمیمیت دو سویه دولت و ملت خواندند و افزودند: دولت، کارگزار ملت، و ملت کارفرمای دولت است، و هر چه همکاری دولت و ملت بیشتر باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت، بنابراین هم دولت باید واقعاً ملت را قبول داشته باشد و

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی مدرس دانشگاه

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد مدیریت

<sup>۳</sup> - کارشناس ارشد مدیریت

ارزش، اهمیت و توانایی‌های مردم را به‌درستی بپذیرد، و هم ملت باید به معنای واقعی کلمه به دولت اعتماد کند. در این مقاله به چرایی نام‌گذاری سال ۱۳۹۴ به نام سال دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** دولت، ملت، همدلی، هم‌زبانی

## مقدمه:

یکی از معضلات تاریخی جامعه‌ی ایرانی که ریشه در نظام سیاسی پادشاهی و نسبت آن با مردم داشت، این بود که عموماً گفته می‌شود بین دولت و مردم در طول تاریخ نظامی سلطانی شکاف وجود داشت. یعنی از یکسو دولت برای همراهی کردن مردم با خود احساس نیاز نمی‌کرد. زیرا مشروعیت و توان مالی خود را از منابعی غیر از ایشان تحصیل می‌نمود. و از سوی دیگر مردم هم دلیلی برای همراهی با دولت نمی‌دیدند. زیرا تصور می‌کردند که می‌توانند نیازهای اولیه و کمال خود را بدون حضور دولت تامین کنند. چه اینکه در پاره‌ای از موارد، دولت را مانع اصلی این رفح حوائج نیز می‌دانستند.

انقلاب اسلامی با آرمان‌ها و شعارهای خود، یکی از نقاطی را که هدف‌گذاری کرد همین نقطه بود. تأکید بر تصویب تک‌تک بندهای قانون اساسی و تعیین کارگزاران نظام با رای و نظر مردم، مشخص کردن کیفیت کارگزاران نظام با مشخصه‌هایی چون ساده‌زیستی و مردم‌گرایی و... لزوم پاسخ‌گویی دولت و سایر ارکان نظام به مردم از تلاش‌هایی بود که با عنایت به آرمان‌های انقلاب اسلامی، در جمهوری اسلامی مدنظر قرار گرفت تا این شکاف تاریخی به حداقل خود برسد.

اما این هم‌گرایی بین دولت و ملت به چه معناست و با کدام معیارها ارزیابی می‌شود؟ به نظر می‌رسد ما زمانی دولت را در مسیر هم‌گرایی با مردم می‌بینیم که در شکل اولی، دولت خود را برآمده از مردم دانسته و همه‌ی مردم را مبنای مشروعیت و مقبولیت خود بداند و تنها به بدنه‌ی رای‌دهنده‌ی خود اکتفا نکند. در نتیجه باید طیف‌های مختلف دغدغه‌مندی مردم را لحاظ کند و تنها به نیازهای یک قشر بسنده نکند.

همچنین از سوی دیگر، مردم را وقتی می‌توان در مسیر هم‌دلی و هم‌زبانی با دولت دید که نقطه‌ی اشتراک بین همدیگر را در ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک خود تعیین کنند و کارآمدی دولت را در گام بعدی قرار دهند. چرا که ممکن است کارآمدی دولت تحت تاثیر دخالت‌های خارجی و برخی

کارشکنی‌های داخلی قرار گرفته و به همین دلیل نمی‌تواند به اصلی‌ترین عامل اشتراک دولت و ملت تلقی شود. البته از سوی دیگر، دولت هم نباید بگذارد این تلقی در جامعه ایجاد شود به بهانه‌ی حفظ ارزش‌ها، در کارآمدی خود کم‌کاری می‌کند. در هر صورت، این مسئله، مسئله‌ای سهل و ممتنع است که عملی کردن آن، به تدبیر و ظرافت فراوانی نیاز دارد.

اما باید توجه داشت در تاریخ نزدیک به ۴ دهه‌ی جمهوری اسلامی، همه‌ی دولت‌ها نتوانسته‌اند با یک کیفیت این آرمان را عملی کنند. بعضی دولت‌ها مثل دولت شهید بزرگوار شهید رجایی، نماد این هم‌گرایی و همدلی و هم‌زبانی بین دولت و ملت هستند. تا جایی که آن‌هایی که تجربه‌ی دولت شهید رجایی را دارند، هنوز هم در از آن دولت به همین عنوان یاد می‌کنند. اما دولت‌های دیگری هم بودند که بسیار از این فضا دور بوده و بارها مورد تذکر خصوصی و عمومی رهبر انقلاب قرار گرفته‌اند.

علی‌ایحال به نظر می‌رسد اینکه در شرایط امروز کشور، و با توجه به مشکلات و درگیری‌ها و مسائل کشور، رهبر معظم انقلاب چنین هدف‌گذاری انجام می‌دهد، نشان از آن دارد که اولاً دولت باید به آحاد جامعه و دغدغه‌های متنوع آنها نگاه ویژه‌ای داشته باشد و طیف‌های گوناگون این نیاز را مدنظر قرار دهد. ثانیاً مردم هم باید حمایت قاطعی از دولت داشته باشند و همه‌ی اقشار جامعه این حمایت را نشان دهند.

### شرط تحقق شعار «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی»

#### رمز موفقیت دولت

در متون علوم سیاسی براساس مبانی، نگرش‌ها و تجربیات تاریخی تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از انواع حکومت‌ها وجود دارد که طبق آن حکومت‌های مختلف بشری از حیث مُدل و نحوه‌ی حکومت کردن به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. اما رهبر معظم انقلاب اسلامی تقسیم‌بندی‌ای کلی از انواع حکومت‌ها براساس نحوه‌ی اداره‌ی آن‌ها دارند (۱) و حکومت‌ها را به سه دسته‌ی اصلی تقسیم می‌کنند:

دسته‌ی اول نظام‌های پلیسی مانند سیستم‌های استبدادی کمونیستی، سلطنتی و شبه‌سلطنتی با ویژگی‌های خاص خود هستند و دسته‌ی دوم دموکراسی‌های غربی هستند که با تزویر و تبلیغات اداره می‌شوند. اما سومین مُدل، نظامی است که با محبت و عطف مردم اداره می‌شود. از نگاه آیت‌الله

خامنه‌ای نظام اسلامی نمی‌خواهد و نمی‌تواند با دو شیوه‌ی اول اداره شود و براین اساس «اعتماد و محبت مردم به نظام» از جایگاهی بنیادین در جمهوری اسلامی برخوردار است:

«یک نوع نظام هم نظامی است که با محبت و عطوفت مردم اداره می‌شود. باید مردم را مورد محبت و احترام قرار داد و به آن‌ها اعتنا کرد، تا به دستگاه حاکمه وصل باشند و پشت سرش قرار گیرند. نظام ما تا حالا این‌گونه بوده است؛ بعد از این هم باید این‌طور باشد.» (۲)

از همین جا می‌توان علت تأکید رهبر معظم انقلاب بر مقوله‌ی «اعتماد متقابل مردم و نظام» در پیام نوروزی سال ۹۴ را دریافت. مقام معظم رهبری در این پیام با اشاره به ظرفیت‌های زیاد ملت ایران و سیاست‌های نظام برای تحقق آرزوهای بزرگ ملی، همکاری‌های صمیمانه و همدلی بیشتر میان ملت و دولت را شرط عملیاتی شدن ظرفیت‌ها و تحقق آرزوها دانسته و لازمه‌ی شکل‌گیری این همکاری و همدلی را «اعتماد متقابل» معرفی کردند:

«اگر این همکاری صمیمانه [میان ملت و دولت] از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه‌ی آنچه را که جزو آرزوهای ما است دست‌یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزمان به چشم خواهند دید... هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را به درستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند.» (۳)

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای اعتماد مردم به نظام زمینه‌ساز پشتیبانی آن‌ها از حکومت را فراهم آورده و دستیابی به اهداف اسلامی را تضمین می‌کند:

«در حقیقت اعتماد مردم است که پشتیبانی آن‌ها را به وجود می‌آورد؛ و پشتیبانی و اتصال مردم به دست‌اندرکاران نظام است که توفیق این حرکت اسلامی را با اهداف اسلامی تضمین می‌کند. مردم هستند که پشتیبان واقعی نظامند؛ این پشتیبانی، متوقف به اعتماد است و این اعتماد هم باید باقی بماند.» (۴)

در این نگاه «رمز موفقیت حاکمیت و قوای سه‌گانه‌ی کشور» در همین پشتیبانی ملت از آن‌ها نهفته است و هیچ عاملی نباید به اعتماد به عنوان زمینه‌ساز این پشتیبانی ضربه بزند:

«رمز موفقیت دولت و قوه‌ی قضاییه و مقننه، در پشتیبانی قاطبه‌ی ملت از آن‌هاست. هر

حرکت و گفتاري که روح اعتماد مردم به اين قوا و کارگزاران آن را متزلزل و در اين پشتمباني، اندک خللي وارد سازد، حرام شرعي و خيانت ملي است.» (۵)

### شرط تحقق شعار سال ۹۴

از سوي ديگر تاکيد رهبر معظم انقلاب بر عنصر «همدلي» که در شعار سال ۹۴ تبلور يافته امري بي سابقه نيست و ايشان در گذشته نيز از اين موضوع به عنوان «نعمت بزرگ خدا» ياد کرده بودند:

«همه آحاد ملت و بخصوص مسؤولين کشور بايد نعمت وحدت و اتفاق و همدلي را - که خدای متعال آن را به ما ارزاني داشت - براي خود حفظ کنند و آن را به خطر نيندازند: «واذکروا نعمه الله عليکم اذ کنتم اعداء فالف بين قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخوانا». برادري، احساس همگامي و همدلي، نعمت بزرگ خداست.» (۶)

اما شکل‌گيري و تقويت اعتماد متقابل بين ملت و دولت به عنوان شرط تحقق همکاري و همدلي بين ملت و دولت چگونه ممکن خواهد شد؟ رهبر انقلاب در پيام نوروزي خود به اين سوال پاسخي شفاف داده‌اند:

«هم دولت، ملت را به معنای واقعي کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهميت و توانايي‌هاي ملت را به درستي بپذيرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهاي او است به معنای حقيقي کلمه اعتماد کند.» (۷)

### نتيجه همدلي و هم‌زباني

پذيرش جايگاه والای ملت و توانايي‌هاي عظيم آن از سوي دولت و استفاده از اين نيروي عظيم در مسير پيشرفت کشور و حل مشکلات از جمله مسائل مهم در اين زمينه است که به‌خصوص در سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملي و مديريت جهادي» مورد تاکيد دائمي رهبري بوده تا جايي که پيشرفت کارها را در صورت سپرده شدن آن به مردم ميسر دانستند:

«تدبير مسئولان در هر برهه‌اي از زمان در دوران جمهوري اسلامي، بايد اين باشد؛ کارها با

تدبیر، با برنامه‌ریزی، با ملاحظه‌های همه‌ی ظرایف و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛ آن‌وقت کارها پیش خواهد رفت.» (۸)

این توجه به توانایی‌های ملت صرفاً به عنوان مسئله‌ای تبلیغاتی مطرح نمی‌شود بلکه براساس برآوردی دقیق و محاسبه شده از توانمندی‌های ملت مورد تأکید قرار می‌گیرد:

«بارها این را گفتیم - اوائل از روی حدس و گمان می‌گفتیم، بعد آمارهای بین‌المللی همین را تأیید کرد - که ما از لحاظ رتبه‌ی استعداد انسانی، در رتبه‌های بالا هستیم؛ یعنی از متوسط جوامع بشری موجود دنیا خیلی بالاتریم؛ متوسط ما از متوسط دنیا بالاتر است. استعدادهای ما، جوان‌های ما فوق‌العاده‌اند.» (۹)

و براساس این برآورد از واقعیت‌های کشور است که مسئله‌ی اتکاء به قدرت درونی به عنوان «کلید حلّ مشکلات کشور» به یکی از مهم‌ترین مطالبات رهبر معظم انقلاب اسلامی از دولت تبدیل می‌شود:

«در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر - [به آن‌ها باشد و] اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حلّ مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از این‌ها می‌شود خردمندانه بهره‌برداری کرد. این‌ها باید شناسایی بشوند. و این است که رتبه‌ی ما را در دنیا بالا می‌برد. در مناسبات بین‌المللی سهم هر کشوری به قدر قدرت درونی او است؛ هر مقداری که واقعاً در درون اقتدار داشته باشد، سهمش از مجموعه‌ی مناسبات بین‌المللی به همان نسبت بالاتر است.» (۱۰)

از سوی دیگر مردم، جریان‌های سیاسی و شخصیت‌های متنفذ نیز وظیفه‌ی کمک به دولت را بر عهده دارند:

«من از همه‌ی جریان‌های گوناگون سیاسی درخواست می‌کنم و اصرار دارم، و همچنین از همه‌ی شخصیت‌های متنفذی که دارای نفوذ کلمه هستند، دارای حوزه‌ی تأثیرگذاری در میان ملت هستند، درخواست می‌کنم به مسئولین، به دولت، به رئیس‌جمهور کمک کنند تا ان‌شاءالله بتوانند وظایف سنگینی را که بر عهده دارند، بخوبی انجام دهند.» (۱۱)



### فرصت سال ۹۴

به نظر می‌رسد نام‌گذاري سال ۹۴ با شعار «دولت و ملت، همدلي و هم‌زباني» فرصتي گران بها براي مجموعه‌ي قواي کشور و به خصوص دولت به عنوان ساکناندار اجرايي کشور از سويي و ملت ايران به عنوان «صاحبان کشور» (۱۲) از سوي ديگر است تا با تقويت عنصر اعتماد متقابل بين خود و شکل‌دهي هرچه بهتر و کامل‌تر فضاي همکاري و همدلي گام‌هاي مهم و بزرگي در مسير پيشرفت بردارند که در اين صورت کشور در مقابل توطئه‌هاي دشمن مصون خواهد شد:

« مصونيت کشور، وابسته‌ي به حضور مردم است؛ کم شدن فشارهاي دشمنان، وابسته‌ي به حضور مردم است، وابسته‌ي به اتحاد و انسجام مردم با نظام و با دستگاه جمهوري اسلامي و حس اعتماد متقابل بين مردم و مسئولين است. اين حس بايد روزبه‌روز تقويت بشود.» (۱۳)

### وظایف سیاستمداران در سال همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت

شعار همدلی و هم‌زبانی ملت و دولت، آرزوی خوب و قابل دسترسی است که ملت و دولت توأمان می‌توانند به دنبال محقق کردن آن باشند، زیرا در سال جدید حوادث و اتفاقاتی که سرنوشت دولت و ملت ایران را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد، خیلی زود آغاز خواهد شد.

در نخستین روزهای بهار، تا حد زیادی تکلیف پرونده هسته‌ای کشورمان مشخص خواهد شد؛ دیپلمات‌های کشورمان از چند روز گذشته در حال مذاکرات سخت و فشرده با هم‌تایان خود از آمریکا و سایر کشورهای دخیل در مذاکرات هستند و احتمالاً در روزهای اول نوروز نیز این مذاکرات ادامه خواهد یافت.

نتیجه این مذاکرات هر چه باشد، رفتار با آن، اجماعی ملی می‌طلبد که جز در سایه همدلی و هم‌زبانی دولت و مردم به دست نخواهد آمد. اگر توافق هسته‌ای حاصل شود و ملت ایران به پایمردی‌های زحمت‌کشان صنعت هسته‌ای و دیپلمات‌های انقلابی خود، به آنچه مطلوب دولت و ملت است دست یابند، لزوماً باید به همدلی و هم‌زبانی بیشتر ملت و دولت منجر و از آن بهره‌ای ملی و نه جناحی و سیاسی برداشت شود؛ که در این سال‌ها همه ملت و حاکمیت غیر مستقیم و مستقیم، ذهنی و عینی، خود را درگیر تحولات این پرونده مهم در عرصه سیاست خارجی کشور دانسته‌اند. اگر رسیدن به توافق مطلوب هسته‌ای حاصل شود، باید مبنایی برای همدلی و هم‌زبانی ملت و دولت جهت پیشرفت و گذر از مراحل کنونی به مراحل بالاتر و عزتمندانه برای این مردم و این خاک شود.

اگر هم توافق مطلوب هسته‌ای برای ایران به دست نیامد، باز این ملت و دولت هستند که باید همدل و هم‌زبان در کنار هم ایستاده و همچون گذشته سنگ بنای پیشرفت کشور را در عین تخاصم و عداوت مخالفان این ملک و دین، بر زمین نهند. همان گونه که در صورت توافق استفاده سیاسی و جناحی، زمینه همدلی و هم‌زبانی ملی را از بین می‌برد، در صورت عدم توافق هسته‌ای نیز، تخریب و نق زدن‌های سیاسی و جناحی، خلاف همدلی و هم‌زبانی است. همه باید بدانیم که چه با توافق هسته‌ای و چه بدون توافق هسته‌ای، این کشور و ملت بزرگ همچنان خواهند بود و قطار پیشرفت این کشور در حال حرکت خواهد بود تا پیچ‌های تاریخی و تاریخ ساز را پشت سر بگذارد.

در میانه‌های سالی که پیش روست، عمر دولت دکتر حسن روحانی، از میانه هم عبور خواهد کرد و به تدریج لازم است دولت پیش از دیگران، به خود ارزیابی مشغول شود. پس از گذشت دو سال از دولت، دولتیان دیگر باید انتقادهای دولت سابق را در برنامه‌های خود کم رنگ‌تر از گذشته نمایند و



بگویند خود برای این مردم چه کرده‌اند. به تدریج باید ثمره زحمات دولتیان، نه در آمار و اطلاعات که در زندگی عملی مردم هم خود را نشان دهد.

نکته این است که اگر خود ارزیابی‌های دولتیان منصفانه و جوانمردانه باشد، مردم همدل و هم‌زبان در کنار دولت خواهند ایستاد؛ حتی اگر دولتیان در خود ارزیابی‌شان کمتر از آنچه خواسته‌اند و یا توانسته‌اند در زندگی مردم تحول ایجاد کرده باشند؛ اعتراف به کم‌کاری‌ها و موانع احتمالی در کنار تلاش برای جبران، مردم را همدل و هم‌زبان در کنار آنان نگاه خواهد داشت.

در اواخر سالی هم که در پیش روست، انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار خواهد شد؛ انتخاباتی که هرچند برای بازیگران سیاسی اهمیت فراوانی از منظر پیروزی و شکست دارد، برای مردم اهمیت آن در تشکیل مجلسی است که در فرآیند انتخابات آن، از آغاز تا پایان و تشکیل مجلس، اخلاق مدارانه و منصفانه طی شود و در نهایت مجلسی تشکیل شود که فارغ از غلبه هر یک از جناح‌های سیاسی در آن، مجلسی کارآمد و مقتدر باشد و بتواند دو وظیفه اصلی خود یعنی قانون‌گذاری و نظارت را به بهترین وجهی انجام دهد. کسانی که از همین ابتدای سال خود را مهیای شرکت در چنین رخداد سیاسی بزرگی در کشور می‌کنند، بدانند که بی‌اخلاقی‌های مرسوم در ادوار مختلف، فضای تخریب و تهمت زدن، بی‌توجهی به منافع ملی و مردم، تلاش برای حذف رقیب به هر قیمت و... فضای همدلی و هم‌زبانی را از بین می‌برد.

در سالی که پیش روست چه در اوایل آن - که مسأله هسته‌ای مطرح است - و چه در اواسط آن - که مسأله بررسی و ارزیابی دولت در میان است و چه در اواخر آن که انتخابات مجلس انجام خواهد پذیرفت همه فعالان سیاسی متوجه این نکته باشند که همدلی و هم‌زبانی مردم را دچار خدشه نکنند. در شرایط امروز بین المللی و منطقه‌ای، تقویت اجماع ملی در داخل برای تحصیل منافع مردم، بیش از هر موفقیت سیاسی و جناحی اهمیت دارد.

فعالان سیاسی در سالی که پیش روی داریم، می‌توانند مشق از خود گذشتگی و ایثار برای رسیدن به خیر جمعی داشته باشند، می‌توانند تمرین اخلاق مداری برای بهبود و زیباتر شدن حال و هوای سیاست داشته باشند. سال ۱۳۹۴ سال مهمی برای کشور و همچنین سال مهم‌تری برای سیاستمداران و فعالان سیاسی است که ثابت کنند می‌توانند برای تقویت همدلی و هم‌زبانی ملی، گاهی

از منافعشان بگذرند. نشان دهند گاهی می‌توانند از واکنش‌های آنی حذر کنند، به خاطر منافع مردم و کشور. می‌توانند از موفقیت‌های رقیبی که در مجلس است یا در دولت، خوشحال شوند و به آن افتخار کنند. آنان هستند که باید ثابت کنند، می‌خواهند در این کشور همدلی و هم‌زبانی تقویت شود یا نه موفقیت سیاسی و جناحی خود را مثل ادوار سابق بر منافع ملت ترجیح می‌دهند.

سال ۱۳۹۴، می‌تواند سال خوبی برای ملت ایران باشد، اگر سیاستمداران متوجه مسئولیت‌های خود باشند.

### برای تحقق شعار «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» چه باید کرد؟

همدلی و هم‌زبانی میان کارگزار و کارفرما. معنایی بدیع و مهم در فرهنگ سیاسی است که رهبر فرزانه‌ی انقلاب سال ۱۳۹۴ شمسی را با عطف توجه به آن، سال «همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت» نامیدند. و این نام‌گذاری می‌رود تا تصویرها از ارتباط عموماً حقوقی و خشک کارفرما و کارگزار را به فضای آکنده از دیگر خواهی «همدلی و هم‌زبانی» ببرد و برگ‌های دیگر بر دفتر مضامین بلند برخاسته از فرهنگ انقلاب اسلامی بیفزاید.

همدلی را «توان خود را جای دیگران گذاشتن» دانسته‌اند. اما سخن به ارتباط کارفرما و کارگزار که می‌رسد قصه وضع جالبی به خود می‌گیرد. کارفرمایی که قرار است تلاش کند «خود را جای کارگزار بگذارد» چه وضعی خواهد داشت؟ یا کارگزاری که می‌خواهد لحظه‌ای «جای کارفرما بنشیند و دنیا را از چشم او نگاه کند» چه منظره‌ای خواهد دید؟

رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی‌شان (۱۴) ضمن معرفی «ملت» به‌عنوان «کارفرمای دولت» بر خصوصیت مهمی از این کارفرما انگشت گذاشتند: «عزم». ایشان تأکید کردند که از دوتایی «عزم ملی و مدیریت جهادی»، اولی که به ملت مربوط بود مخصوصاً در راهپیمایی‌های عظیم و متعددشان به‌طور کامل محقق شد و معلوم گشت که «از طرف ملت عزم لازم وجود دارد». اما از نظر ایشان تحقق مدیریت جهادی به کاملی عزم ملی نبود و صرفاً «هر جا مدیریت جهادی بروز داشت» پیشرفت‌ها نیز آشکار بود.

بدین ترتیب صورت مسئله‌ی ما قدری تکمیل‌تر می‌شود: از یک‌سو کارفرمایی داریم که عزم راسخی به نمایش گذاشته، از سوی دیگر نیز کارگزاری داریم که - نه به‌اندازه‌ی کارفرما اما او هم - نشان داده است که هر جا اراده کند می‌تواند. حالا قرار است این دو گروه بیش‌ازپیش با یکدیگر همدلی

کنند. یعنی توان «خود را جای دیگری گذاشتن» را بیش‌ازپیش در خود تقویت کنند.

**ملتی که با دولت همدل است:** ملت قرار است گرفتاری‌های دولت را گرفتاری‌های خودش بداند. او بسان کارفرمایی است که مشغله‌های کارگزار را جزئی از دغدغه‌های خود می‌بیند و «توقعات» خود را بیش‌ازپیش مدیریت می‌کند.

به‌عنوان یک نمونه، نادره شاملو مشاور توسعه بین‌الملل و مشاور ارشد پیشین بانک جهانی ۱۸ آذر ۹۳ در گفتگو با صدای آمریکا به یکی از آخرین سفرهایش به ایران اشاره می‌کند و می‌گوید «...تا یک حدی به نظر من می‌رسید که مردم ایران فکر می‌کنند که اگر امروز نخریم فردا گران‌تر می‌شود! درواقع (۱۵) زیاد است و سطح توقعات واقعاً بالا رفته. خلاصه اینکه هرچند سختی هم می‌کشند اما اوضاع آن‌قدرها خراب نیست...»

این «اگر امروز نخریم فردا گران‌تر خواهد شد» یکی از تلقی‌های کاملاً منافی با همدلی ملت و دولت است. ملتی که می‌خواهد با دولت منتخب خود همدل باشد می‌بایست عامدانه به این جور «اگر»ها که صرفاً به توقعات بی‌پایان دامن می‌زنند بی‌اعتنایی کند. این دست اگرها ملت را از دولت کارگزار خود دور می‌کنند، بماند که ما ترجیح می‌دهیم اوصاف رسانه‌های بیگانه در موردمان مثل اغلب موارد دروغ باشد و اصلاً زبینه نیست که رفتاری داشته باشیم که دشمنان را در اشکال‌گیری بر ما مُحِق کند. اگر مردم «خود را جای دولت بگذارند» و به معنای حقیقی کلمه با دولت همدلی کنند، این دست اگرها میدانی برای خودنمایی پیدا نخواهند کرد.

مردم باید دولت را و کشور را از خود بدانند و اگر در هر زمینه‌ای نیازی جمعی وجود دارد آن نیاز را مانند نیازهای شخصی خود جدی تلقی کنند و برای رفع آن همت و نظم نشان دهند. با توجه به تأکیدات اخیر بر مسائل اقتصادی کشور، منحصر کردن حداکثری خریده‌ها به کالاهای داخلی، اهتمام همدلانه و جدی به پرداخت دیون ملی، و سوگیری فوری برای کاهش میزان مصرف و دامن زدن بر جو «انضباط کسب و مصرف» شاید حداقل کارهایی باشند که مردم می‌توانند برای تحقق شعار سال ۹۴ در دستور کار خود قرار دهند.

**دولتی که با ملت همدل است:** دولت قرار است مسائل مردم را به‌واقع مسائل خود بداند. قرار است تا آنجا که می‌تواند تمرین کند که دنیا را از پنجره‌ی مردم ببیند. دیگر قرار نیست به توصیه و

نصیحت بسنده شود. قرار است دولتی‌ها خود را یکی از مردم تلقی کنند و دقیقاً مانند آن‌ها به دولت به خود نگاه کنند. و روشن است که از اینجا تا «خود انتقادی» راهی نیست!

خود انتقادی باید به‌طور جدی وارد گفتمان دولت آقای روحانی شود تا از این طریق، دولت بتواند بیشتر خود را جای مردم بگذارد. دولت‌مرد «خود منتقد» و اهل همدلی با مردم دولتمردی است که بیش و پیش از مردم - و یا شرایط - به «خود» مشکوک است. دولتمردی که با مردم همدل می‌شود و خود را چون یکی از آنان فرض می‌کند اندک‌اندک از «نگاه بالا به پایین» منزجر می‌شود و ترجیح می‌دهد نقادی را از خود شروع کند.

کابینه‌ای که همدل با ملت است با «مجلس برخاسته از ملت» نیز احساس خودی بودن بیشتری خواهد داشت. مجلس تبلور اراده‌ی ملت است. دولتی که تصمیم به همدلی با مردم گرفته کشمکش‌های طبیعی‌اش با مجلس را «با گذشت بیشتر از سوی خود» فیصله می‌دهد چون قصد جدی دارد که خود را جای مردم و نمایندگان مردم بگذارد.

دولتی که با مردم همدل و هم‌زبان است بر دشمنان مردم سختگیرتر از پیش خواهد بود. او با نشستن جای مردم، «بغض و کینه‌ی انقلابی» را که در قلب توده‌ها جریان‌ی پرخروش دارد بیش‌ازپیش حس می‌کند و به همین سبب در کلیشه‌های «یا دیپلمات یا انقلابی» نمی‌ماند و خود را پای میزهای مذاکره «انقلابی‌تر» نشان می‌دهد. اهالی مذاکره در چنین دولتی به مردم سرزمین خود شبیه‌تر می‌شوند. دیپلمات‌هایی که با مردم همدل‌تر شده‌اند قادرند در جای‌جای مذاکرات تصور کنند که مردم ناظر و شاهد گفته‌های آن‌ها و بلکه جای آن‌ها هستند! این ورزهی فکری، نمایندگان صادق ایران در مذاکرات هسته‌ای با دولت‌های ظالم را تقویت می‌کند تا بیش از گذشته «بچه‌های این مردم» و «بچه‌های این انقلاب» به نظر برسند.

### خشونت‌های زبانی، دشمنان همدلی

باید به یاد داشته باشیم که خشونت‌ورزی‌های زبانی و رسانه‌ای کاهنده‌ی قطعی همدلی هستند و این اثر کاهندگی بر هر دو سوی ماجرا است. مردم و جریان‌ات مردمی اگر تندزبانی پیشه کنند و مکتوبات و ملفوظات خود را به خشونت زبانی بیالایند توانایی «دیدن دنیا از نگاه دولتی‌ها» را اندک‌اندک از دست می‌دهند و همدلی کردن برایشان غیرممکن می‌شود. دولتمردان نیز چنانچه تربیون‌ها را به آوردگاه الصاق انواع برچسب بر سر و روی منتقدین و مخالفان خود تبدیل کنند، قدرت «خود را جای مردم گذاشتن» کم‌کم در آن‌ها زوال می‌یابد و همدلی برایشان دست‌نیافتنی می‌شود.

## جامعه‌ی مدنی، رابط و حامل همدلی

جامعه‌ی مدنی را حوزه‌ای از ارتباطات اجتماعی دانسته‌اند که بدون هیچ مداخله‌ی دولتی همواره نقش واسطه میان دولت و ملت ایفا کرده. مهم‌ترین عناصر این حوزه در دو منطقه ریشه دارند: ۱. مراکز آموزشی از حوزه و دانشگاه و مدرسه ۲. انواع و اقسام رسانه‌ها از مطبوعات گرفته تا رادیو و تلویزیون.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد دستیابی به هر سطحی از همدلی و هم‌زبانی میان ملت و دولت نیازمند آرایش کانال ارتباطی آن دو یعنی جامعه‌ی مدنی به لوازم همدلی و هم‌زبانی است. باید بیش‌ازپیش به فضای جامعه‌ی مدنی همدلی و هم‌زبانی تزریق شود تا از این طریق، ارتباطات دولت و ملت نیز شکلی نو و همدلانه‌تر پیدا کند.

### همدلی به‌مثابه راهبرد

یادمان باشد که همدلی گاهی راهبرد است گاهی روش. یک‌وقت صرفاً می‌خواهیم با رواج همدلی «منازعات موجود» را فیصله دهیم، یک‌وقت هم البته قصدمان فراتر از این است و می‌خواهیم به «ریشه‌ی درگرفتن منازعات» نگاه طبیعیانه بیندازیم. حالا که رهبر فرزانه‌ی انقلاب سالی را به نام همدلی مزین کرده‌اند شاید حیف باشد که آن را صرفاً یک «روش» در نظر بگیریم.

به نظر می‌رسد فرصتی مغتنم پیش‌آمده تا «همدلی» را به چشم «راهبردی ملی» نگاه کنیم و بجای توقعمان از یکدیگر، توقعمان از «همدلی» را بالا ببریم و بگذاریم این نوشارو، حالا که می‌تواند، نقشی بیش از «ممانعت از مرگ سهراب» داشته باشد و اساساً «بساط سهراب گشان» را جمع کند!

نگاه راهبردی به همدلی می‌تواند «شکاف‌های متراکمی» را که اثری جز تعمیق درهم‌ریختگی و افزودن بر سطح تنش‌ها ندارند را به «شکاف‌های متقاطع» تبدیل کند که اجازه‌ی دوقطبی شدن را به جامعه نمی‌دهند و از سطح و عمق کشمکش‌های انرژی بر به‌طور محسوسی می‌کاهند.

### همدلی و موج‌سواری‌های سیاسی

از همین ساعات اول طرح این شعار برای سال ۹۴ باید مراقب سوءاستفاده‌های بیش‌ازپیش از

مفهوم «همدلی» نیز بود. نهم دی‌ماه ۹۳ رئیس‌جمهور محترم راهپیمایی تاریخی یوم‌الله نهم دی سال ۱۳۸۸ را به معنای بیعت مجدد با جمهوری اسلامی ایران، اصل ولایت‌فقیه و خاندان امامت دانستند و روز ۹ دی را «روز همدلی» نام نهادند (۱۶). این بیان آقای روحانی را بگذارید کنار اتفاقی که دو ماه و نیم پیش از آن افتاد. شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان استان زنجان به مناسبت سفر استانی رئیس‌جمهور و اعضای کابینه به زنجان، در ۲۸ مهر ۹۳ رسماً بیانیه‌ای منتشر کرد و در آن «تلاش و اقدام برای رفع حصر از سران فتنه» را موجب «افزایش همدلی» و اقتدار داخلی دانست! [۴] به‌راستی چطور ممکن است حامیان و علاقه‌مندان رئیس‌جمهوری که ۹ دی را روز همدلی می‌داند معتقد باشند که رفع حصر سران فتنه - که نهم دی اعتراضی میلیونی به رفتار آن‌ها بود - نیز عامل همدلی خواهد بود؟! آیا جز این است که لفظ «همدلی» مدت‌هاست استعداد خود را برای تبدیل‌شدن به «ابزار موج‌سواری موج‌سواران سیاسی» اثبات کرده؟

### آیا همدلی «کفایت» می‌کند؟

چند ماه پیش مقام معظم رهبری در اجابت درخواست معاون اول رئیس‌جمهور مبنی بر صدور پیامی خطاب به همایش ملی ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، متنی مرقوم داشتند که فرازی از آن می‌گوید «نفس اهنام آقایان به امر مبارزه با فساد را تحسین می‌کنم، لکن این سمینار و امثال آن بناست چه معجزه‌ای بکند؟ مگر وضعیت برای شما مسئولان سه قوه روشن نیست؟ با توجه به شرایط مناسب و امیدبخشی که از لحاظ همدلی و هماهنگی و همفکری بین مسئولان امر وجود دارد، چرا اقدام قاطع و اساسی انجام نمی‌گیرد که نتیجه را همه به‌طور ملموس مشاهده کنند؟» (۱۷)

پرسشی که رهبر انقلاب مطرح می‌کنند پرسش بسیار مهمی است. خصوصاً که هیچ اثری از استفهام انکاری در بیان ایشان نیست و روشن است که عمیقاً به وجود «همدلی و هماهنگی و همفکری» میان مسئولین باور دارند. اما به‌راستی چرا از خاک «همدلی» لزوماً «اقدام قاطع» نمی‌روید؟

به نظر می‌رسد «همدلی و هم‌زبانی» و حتی «همفکری و هماهنگی» همگی شروط «لازم» برای برانگیخته شدن اراده‌ها هستند. اینکه آدمی از حوزه‌ی باورها و احساسات خود عبور کند و وارد حوزه‌ی اراده و عمل شود ظاهراً محتاج لوازمی بیش از «باورمندی» و «احساس مساعد» و حتی «تمایل» است.

اگر قرار است در سال ۹۴ بر همدلی و هم‌زبانی میان مردم و دولت دامن زده شود باید پیشاپیش بدانیم که این همدلی و هم‌زبانی هنوز فقط شرط لازم برای رخدادهای خوب مورد

انتظارمان است. باید متفکران و اهالی اندیشه روی چگونگی نفوذ «همدلی و هم‌زبانی» بر ساحت «اراده و رفتار» نیز مذاقه و تأمل کنند. ما نیاز به جهدی نظری روی «موانع تبدیل‌شدن اندیشه به رفتار» هستیم و اگر به این موانع توجه نکنیم چه‌بسا به همدلی و هم‌زبانی که هر دو مرتبط با حوزه‌ی باور هستند هم برسیم اما باز به تغییرات موردنظرمان در حوزه‌ی اراده و رفتار دست پیدا نکنیم و به تعبیر رهبر انقلاب «نتیجه‌ای ملموس» مشاهده نکنیم.

### نتیجه‌گیری

پر واضح است که این نام را نیز می‌توان در چهار چوب مرحله دولت‌سازی اسلامی که سومین مرحله از فرآیند تمدن‌سازی اسلامی است، تحلیل نمود. برطرف نمودن شکاف دولت ملت که می‌توان آن را از جمله شکاف‌های فعال در جامعه دانست که در شرایط حاضر با طرح فسادهای اخیر در فضای عمومی نیز تشدید شده است، می‌تواند موجب پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی گردد. برای رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی، همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت و برطرف نمودن شکاف بین این دو از جمله ضروریات است. دولت اسلامی دولتی است از دل ملت و برآمده از آن که خواست اسلام و مسلمین را پی می‌گیرد به همین جهت تحقق همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت برای رسیدن به دولت اسلامی ضروری است. در این جهت نه دولت باید ملت را نامحرم و غیر خودی بداند و او را در روند مدیریت کشور و تصمیمات شرکت نهد و نه ملت، دولت را به حال خود رها کند و خود را در قبال اتفاقات و حوادث مسئول نداند. البته باید دقت داشت که هم‌زبانی و همدلی این دو رکن جمهوری اسلامی یعنی دولت و ملت، طرفینی است؛ بدان معنا که نباید این نامگذاری به همدلی و هم‌زبانی ملت نسبت به دولت و بلعکس دولت نسبت به ملت تفسیر شود. دولت اسلامی دولتی است که از یک سو فرهنگ سیاسی مردم در آن مشارکتی است و سوی دیگر دولت صرفاً به دنبال تحقق خواست نخبگان و گروه‌های قدرت و ثروت نیست بلکه خواست آحاد مردم مسلمان را پی می‌گیرد. البته ما در این مقاله منکر این امر نیستیم که مخاطب نام سال عموم مردم هستند و اصلاً، بخشی از اهداف مرحله جامعه اسلامی هم‌زمان با نیل به مرحله دولت اسلامی در حال تحقق است؛ زیرا در این زمینه هم مردم مسئولیت دارند و هم مسئولان. اما آنچه مورد مدعاست این است که مخاطب اصلی این نام‌ها و شعارها مسئولان به عنوان کارگزاران تحقق دولت اسلامی است تا با هم جهت‌کردن نیروهای اجتماعی، زمینه را برای پشت سر گذاشتن این مرحله فراهم کنند.

## منابع

- بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۲۳/۰۵/۱۳۷۰
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۹۴ هجری شمسی .
- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۲/۱۲/۱۳۷۰.
- پیام به نمایندگان مجلس و مردم ایران ۱۸/۱۰/۱۳۶۸.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۲۵/۰۹/۱۳۸۰.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۹۴ هجری شمسی.
- بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۲۹/۱۱/۱۳۹۳.
- بیانات در دیدار مسئولان نظام ۳۰/۰۴/۱۳۹۲.
- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۲.
- بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۲/۰۵/۱۳۹۲.
- بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۲۹/۱۱/۱۳۹۳.
- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۲۲/۰۳/۱۳۹۲.
- پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴.
- توقع و چشم‌داشت.
- حماسه ۹ دی بیعت مجدد با جمهوری اسلامی، اصل ولایت فقیه و خاندان امامت بود.
- البته این بیانیه در رسانه‌های داخلی بازتاب نداشت و صرفاً تارنماهای حامی فتنه آن را منتشر کردند اما همین شورا ۴ آبان ۹۳ با پیامی که جهت قدردانی از سفر رئیس‌جمهور به زنجان صادر کرد نشان داد که موجودیت دارد و دست‌کم می‌توانست بیانیه‌ی منتشرشده را تکذیب کند! قدردانی شورای هماهنگی اصلاح طلبان زنجان از سفر رییس جمهوری به استان.



چرایبی نام‌گذاری سال ۱۳۹۴ به نام دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی \_\_\_\_\_ ۶۳

- مرقومه رهبر انقلاب برای همایش ملی ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

